

نگاهی به ابتکارات نظامی و ابعاد شخصیتی دکتر مصطفی چمران در گفت‌وگوی «جوان» با هم‌زمش ناصر ربیعه

## شهید چمران در اوج سختی و تحریم دشمن را زمینگیر کرد



■ احمد محمد تبریزی

شهید چمران شخصیتی استثنایی در تاریخ معاصر ایران است. دانشمندی که کنتراری فیزیک پلاسما داشت، به تمام دلبستگی‌های مادی‌اش پشت پا زد و راه طولانی امریکا تا جنوب لبنان را برای کمک به شیعیان این کشور پیمود. او در نامه‌ای به امام موسی صدر می‌نویسد: «از اینکه امریکا را ترک گفتم، از اینکه دنیای لذات و راحت‌طلبی را پشت سر گذاشتم، از اینکه دنیای علم را فراموش کردم، از اینکه از همه زاری‌های و خاطره‌زن عزیز و فرزندان گذشته‌ام، متأسف نیستم، از آن دنیای مادی و راحت‌طلبی گذشتم و به دنیای درد، محرومیت، رنج، شکست، اتهام، فقر و تنهایی قدم گذاشتم. با محرومیت همنشین شدم. با دردمندان و شکسته دلان هم آواز گشتم. از دنیای سرمایه‌داران و ستمگران گذشتم و به عالم محرومین و مظلومین وارد شدم. با تمام این احوال متأسف نیستم... شهید چمران با آن حالات و روحیانش نقش مهمی در انسجام‌رزمندگان در اوایل جنگ داشت. به مناسبت سالروز شهادت‌ش در ۳۱ خردادماه با ناصر ربیعه که از همان نخستین روزهای جنگ با شهید چمران آشنا شد و در کنارش مقاومت و ایستادگی را آموخت، گفت‌وگویی درباره ابتکارات نظامی و ابعاد شخصیتی وی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

### اوایل جنگ کجا بودید؟ چطور با شهید چمران آشنا شدید؟

من عضو سپاه سوسنگرد بودم. قبیل از جنگ منطقه دشت آزادگان ناامن بود و با گروهک‌های منافق‌ها درگیر بودیم. از همان زمان تحرکات دشمن را در مزرع می‌دیدیم و آماده شروع یک جنگ تمام‌عیار از سوی دشمن یعنی بودیم. عملیات مرزی نیروهای عراقی را پاسگاه‌های مرزی‌مان شدت گرفته بود. ارتش بعد تجهیزات پیشرفته‌ای داشت و در زمینه جنگ تبلیغاتی، کشورهای عربی منطقه حمایتش می‌کردند. جنگ که شروع شد تعداد پاسگاه‌ها دو کشور را نمی‌گشت با هم مقایسه کرد. تا ۸ مهر ۱۳۵۹ نیروهای عراق سوسنگرد، بستان و تپه‌های اله‌اکبر را تصرف کردند و تا حمیدیه آمدند که آنجا زمینگیر شدند. در این فاصله جیب شریفی فرمانده سپاه سوسنگرد همراه همسرش اسیر شد که شریفی را در راه شهید کردند و همسرش پس از چند سال به کشور بازگشت. دشمن به هر کس که ریش داشت پاسدار خمینی می‌گفت او را شهید می‌کرد. آن زمان به دلیل حملات دشمن و شهادت دوستان و آشنایان و بمباران شهرها حال روح‌ام خیلی مساعد نبود. وضعیت فرماندهی نیروها و تأمین تجهیزات هم خیلی مناسب نبود. یک روز به اتاق جنگ لشکر ۹۲ زرهی‌هاوز رفته و اولین کسی را که دیدم و با او برخورد کردم چهره‌های بسیار مهربان داشت. آن زمان شهید چمران را برای اولین بار می‌دیدم که با روی خوش و اخلاقی خوب با من برخورد کرد. دکتر مصطفی چمران را قبلاً از طریق تلویزیون دیده بودم ولی از نزدیک ایشان را ندیده بودم. دکتر در حال خروج از اتاق جنگ همراه سرگرد رستمی بود. به خاطر فشار روحی که به من وارد شده بود اشک‌هایم همینطور جاری بود. شهید چمران تا من را دیده با استقبالی گرم در آغوش گرفت. احساس ایشان به قدری باقی‌مانده و صمیمی بود که هنوز گرمایش را در وجود

### حضور شهید چمران در آن مقطع تا چه اندازه به کمک رزمندگان و جبهه‌ها آمد؟

آن زمان دشمن به سمت سوسنگرد یورش برده و شهر خالی از سکنه شده بود. یک روز در سپاه اهواز شهید چمران را همراه شهید کلاه‌دوز دیدم. چمران در فکر انجام عملیات شبیخون به نیروهای عراقی بود. با دکتر روبوسی کردم و ایشان گفت که امشب برنامه داریم. اطلاعاتی را که از قبل داشتیم به شهید چمران دادم و شبیخون توسط شهید غیور اصلی انجام شد و اولین ضربه محکم به لشکر ۹ زرهی بعث عراق زده شد. این شبیخون در ۹ مهر ۵۹ اولین شکست مفتضحانه‌ای بود که توسط گروه نامنظم چمران و سپاه اهواز زده شد. در این عملیات‌ها و شبیخون‌ها نقش اصلی را شهید چمران برعهده داشت. با همان صلاحیت و ایمان قوی و درایت نظامی‌اش با همکاری سپاه اولین ضربه‌ها را به نیروهای عراقی وارد کرد. شکست دشمن آن زمان خیلی سروصدا کرد و حتی در رسانه‌های بین‌المللی هم پیچیده بود که لشکر مجهز ارتش یعنی ضربه سختی خورده است. پس از آن نیروهای نامنظم گروه شهید چمران

احساس می‌کنم. خیلی به من دلداری داد و با لفظ پسرمن من را خطاب کرد و روحیه‌ام را بالا برد. من اولین بر خوردم با دکتر چمران را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم. با لباسی نظامی و با اسلحه کلاشینکف چنان من را در آغوش کشید انگار سال‌هاست مرا می‌شناسد. شهید رستمی نیز که در کنار شهید چمران حضور داشت از گریه من به گریه افتاده و منقلب شده بود. چمران می‌گفت با آقای رستمی صحبت کنید و اطلاعات کامل را از وضعیت پیشروی دشمن در دشت آزادگان بگیرید تا بتوانیم شبیخون بزیم و عملیاتی ایذایی انجام بدهیم و نیروهای عراقی را متوقف کنیم. دکتر دقایقی با من صحبت کرد و بعد همراهشان به اتاق جنگ رفتیم که مسئولان و فرماندهان دیگری هم در اتاق حضور داشتند. شهید رستمی من را پیش سرگرد منصور وطن‌پور فرمانده هوانیروز برد. شهید چمران من را معرفی کرد و گفت اطلاعات از من به بگیرند. بعد ایشان خداحافظی کرد و رفت.

حضور شهید چمران در آن مقطع تا چه اندازه به کمک رزمندگان و جبهه‌ها آمد؟ آن زمان دشمن به سمت سوسنگرد یورش برده و شهر خالی از سکنه شده بود. یک روز در سپاه اهواز شهید چمران را همراه شهید کلاه‌دوز دیدم. چمران در فکر انجام عملیات شبیخون به نیروهای عراقی بود. با دکتر روبوسی کردم و ایشان گفت که امشب برنامه داریم. اطلاعاتی را که از قبل داشتیم به شهید چمران دادم و شبیخون توسط شهید غیور اصلی انجام شد و اولین ضربه محکم به لشکر ۹ زرهی بعث عراق زده شد. این شبیخون در ۹ مهر ۵۹ اولین شکست مفتضحانه‌ای بود که توسط گروه نامنظم چمران و سپاه اهواز زده شد. در این عملیات‌ها و شبیخون‌ها نقش اصلی را شهید چمران برعهده داشت. با همان صلاحیت و ایمان قوی و درایت نظامی‌اش با همکاری سپاه اولین ضربه‌ها را به نیروهای عراقی وارد کرد. شکست دشمن آن زمان خیلی سروصدا کرد و حتی در رسانه‌های بین‌المللی هم پیچیده بود که لشکر مجهز ارتش یعنی ضربه سختی خورده است. پس از آن نیروهای نامنظم گروه شهید چمران

در منطقه پخش شدند. در مقطعی دیگر ایشان با ابتکار خود رودخانه کرخه نور را بست و آب را به طرف نیروهای دشمن رها کرد. آب منطقه را گرفت و بین نیروهای زرهی دشمن با نیروهای خودی حائل ایجاد کرد و آنها دیگر نتوانستند به سمت منطقه حمیدیه حرکت کنند. قسمت دیگری از نیروهای نامنظم در سوسنگرد بودند و در عملیات بازپس‌گیری شهر حضور داشتند و در ۲۶ آبان توانستند محاصره سوسنگرد را بشکنند. شهید چمران نقش خیلی مهمی در این عملیات برعهده داشت و با استفاده از ابتکارات ایشان محاصره شکسته شد. در این عملیات هم از ناحیه پا مجروح شد. نیروهای شهید چمران با موتورهای پرشی و آری‌جین‌ها تانک‌های دشمن را می‌زدند. بعد از این عقب‌نشینی، دشمن از غرب سوسنگرد عقب‌نشینی نکرد و منطقه را زیر آتش قرار داد. به مرور نیروهای شهید چمران بیشتر شدند و شبیخون‌های ایشان در غرب سوسنگرد نامحدود بود. چمران به دنبال گرفتن اسیر برای گرفتن اطلاعات بود. عملیات یامهدی به صورت مشترک در اسفند سال ۵۹ انجام شد. در این عملیات به فاصله چند ساعت یک تپ زرهی پیاده را از بین بردیم و غنیمت‌های خوبی از دشمن گرفتیم. عملیات یامهدی اولین عملیات مشترک ستاد نیروهای نامنظم با سپاه و ارتش بود. سال ۶۰ در عملیات امام علی نیز با مشارکت ستاد نیروهای منظم انجام شد که نتیجه و ثمرات خوبی را به دنبال داشت.

### د

هر کس شهید چمران را می‌دید شیفته اخلاقی می‌شد. به دلیل اخلاص و اخلاق حسنه شهید همه جذبش می‌شدند. خیلی‌ها به خاطر چمران دست از کارهایی که در گذشته انجام می‌دادند برداشتند و واقعاً توبه کردند. به نظر من محبتی که برای روح‌شان را لطیف کرده بود. با یحییان در لبنان بود و مقابل مستکبران و ستمگران فقط برای رضای خدا و نه پست برای گرفتن اسیر بود. عملیات یامهدی به صورت مشترک در اسفند سال ۵۹ انجام شد. در این عملیات به فاصله چند ساعت یک تپ زرهی پیاده را از بین بردیم و غنیمت‌های خوبی از دشمن گرفتیم. عملیات یامهدی اولین عملیات مشترک ستاد نیروهای نامنظم با سپاه و ارتش بود. سال ۶۰ در عملیات امام علی نیز با مشارکت ستاد نیروهای منظم انجام شد که نتیجه و ثمرات خوبی را به دنبال داشت.



و مقام مبارزه داشت. چمران صاحب بهترین مدرک تحصیلی از امریکا بود و اگر دنبال مسائلی مادی می‌رفت همه چیز برایش مهیا بود. به ایشان گفته بودند در رشته خودت کار کن و هر چیز که بخواهی را برایت مهیا می‌کنیم که دکتر چمران در جواب می‌گوید همه دنیا را به من بدهید در مقابل اشک بیتمان لبنان هیچ ارزشی ندارد. چنین حالت عارفانه‌ای داشت و به چنین درجه‌ای رسیده بود. وزیر دفاع بود و باز خودش در خط مقدم جبهه حضور داشت. داشتن این روحیه کار هر کس نیست و فقط از عهده مردان بزرگ برمی‌آید. ایشان علاوه بر بُعد نظامی اخلاص زیادی در رفتار و کارهایش داشت. اگر چمران شهید نمی‌شد به چهره‌ای بزرگ برای کشور تبدیل می‌شد. در اوج تحریم اقتصادی و درگیری‌های دشمن موفقیت‌های زیادی در جبهه کسب کرد. در بین دشمنانش می‌نشست و با آنها صحبت می‌کرد. می‌گفت خدا بالای سر من است اگر بخواهد من را می‌برد، پس دیگر چرا باید از دشمنان بترسم تا وقتی خدای بالای سرم را دارم. با چنین دل و جراتی میان انقلاب می‌رفت و با آنها صحبت می‌کرد. داشتن چنین اخلاص و ایمان قوی‌ای کار هر کس نبود. همین کارها باعث روحیه گرفتن و قوت قلب سایر نیروهای ما شد.

### شهید چمران شخصیتی چند وجهی داشتند و در کنار بُعد نظامی، با اخلاق و ایمانند روحیه را به نیروها برمی‌گرداندند. آیا سایر ابعاد شخصیت چمران برای شما و دیگر نیروها مشهود بود؟

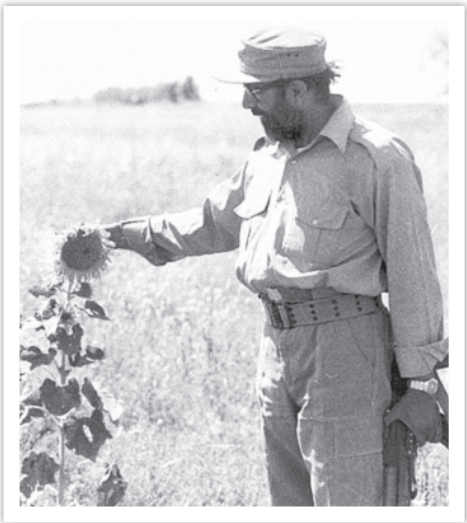
هر کس شهید چمران را می‌دید شیفته اخلاقی می‌شد. به دلیل اخلاص و اخلاق حسنه شهید همه جذبش می‌شدند. خیلی‌ها به خاطر چمران دست از کارهایی که در گذشته انجام می‌دادند برداشتند و واقعاً توبه کردند. به نظر من محبتی که برای روح‌شان را لطیف کرده بود. با یحییان در لبنان بود و مقابل مستکبران و ستمگران فقط برای رضای خدا و نه پست برای گرفتن اسیر بود. عملیات یامهدی به صورت مشترک در اسفند سال ۵۹ انجام شد. در این عملیات به فاصله چند ساعت یک تپ زرهی پیاده را از بین بردیم و غنیمت‌های خوبی از دشمن گرفتیم. عملیات یامهدی اولین عملیات مشترک ستاد نیروهای نامنظم با سپاه و ارتش بود. سال ۶۰ در عملیات امام علی نیز با مشارکت ستاد نیروهای منظم انجام شد که نتیجه و ثمرات خوبی را به دنبال داشت.

در دوره‌ای که نیروها سازماندهی نداشتند و جود کسی مثل شهید چمران یک وزنه بود. آیا وجود ایشان باعث افزایش روحیه تان می‌شد؟ در یک مقطع زمانی که انقلاب تازه پیروز شده بود و ارتش انسجام زیادی نداشت او در دو جبهه تجلوز عراق و مبارزه با ضدانقلاب حضور داشت. چمران با شجاعت مقابل ضدانقلاب ایستاد و تمام توانش را برای مقابله با دشمن منجاول نیز به کار گرفت. چمران یک آدم استثنایی بود که در آن مقطع زمانی یکی از پایه‌های حفظ انقلاب اسلامی بود که نقش مهم و تاریخی‌اش را به خوبی ایفا کرد. زمانی که ایشان در جبهه حضور داشت خیلی طول نکشید. کمتر از یک سال در جبهه حضور داشت با این حال نقش خیلی مهمی در جنگ داشت. حضور چمران روحیه نیروهای سپاهی و ارتش را هم بالا برد. می‌دیدند که یک فرمانده مقتدر را هم بالا برد. سرشان و باطمینان خاطر حضور دارد. بسیاری کارشان در شهر را رها کردند و به عقب چمران و گروهی وارد جنگ شدند. در کمال خونسردی و صبوری صحبت می‌کرد. خیلی منطقی رفتار می‌کرد و همیشه به نیروهایش آرامش می‌داد. در آن واحد تصمیم نمی‌گرفت و با فکر و تعقل تصمیم می‌گرفت. با نیروها صحبت می‌کرد و بسیار اهل گفت‌وگو بود.

### حضور شخصیتی مثل شهید چمران در جبهه‌ها تا چه اندازه برای عراقی‌ها مهم بود؟

یکی از شانت‌های خبری عراقی‌ها که از طریق رادیوشنیده‌یوهم این بود که می‌گفتند نیروهای چمران دزد هستند. آنها از تاکتیک پاتک‌های شبانه چمران وحشت داشتند و می‌خواستند علیه این حربه نظامی جنگ روانی راه بیندازند. گرفتن اسیر و سلاح از دشمن برای چمران خیلی مهم بود و ایشان بر گرفتن سلاح از دست دشمن خیلی تأکید می‌کرد. همین روحیه نظامی باعث شده بود عراقی‌ها حساب و ویژه‌ای روی نیروهای ستاد نامنظم باز کنند و پس از شهادت چمران خیالشان از بابت فقدان یک فرمانده بزرگ راحت شد. چمران ترس و واگمه زیادی در دل فرماندهان عراقی گذاشته بود.

### گفت‌وگو



### ۲ خاطره از شهید چمران در گفت‌وگوی «جوان» با ۲ هم‌زمش

#### «مدار با اسیر» درسی که از دکتر آموختم

■ علیرضا محمدی

شهید دکتر مصطفی چمران یگانه‌ای در تاریخ معاصر کشورمان است که از مقام معظم رهبری گرفته تا یک رزمنده ساده، بسیاری از حسن اخلاق و بزرگ منشش او در شرايط سخت جنگ، خاطرات زیبایی دارند. این مرد بزرگ که مبارزاتش را از لبنان جنگ زده و فقرزده دهه ۶۰ میلادی شروع کرده بود، خط مبارزه را تا جبهه‌های کردستان و سپس دفاع مقدس ادامه داد و نهایتاً در ۳۱ خردادماه سال ۱۳۶۱ در دهلاویه به شهادت رسید. داستان چمران خیلی زود در جبهه‌های جنگ به اتمام رسید، اما خاطرات او تا بعد از ذهن هم‌زمش جاودانه ماند. به مناسبت سالروز شهادت‌ش دو خاطره از وی را در گفت‌وگو با دو هم‌زمش پیش‌رو دارید.

### ■ مدار با اسیر

همان بالا با کمین‌کننده‌ها درگیر شویم. ما رفتیم و توانستیم محل اختفای چند نیروی ضدانقلاب را شناسایی کنیم. دو نفرشان راه اسارت درآوردیم. من آن موقع ۲۰۱۹ سال بیشتر نداشتم. هنگامی که می‌خواستیم اسرا را تحویل بدهم، از سر جوانی با قنداق اسلحه ضربه‌ای به شانه یکی از آنها وارد کردم. نگذاشته بود که چمران دستم را گرفت و گفت ناگهان دکتر چمران دستم را گرفت و گفت شهر یورماه سیری شده بود که کاروان به گردنه خان رسید. آنجا روستاهایی وجود داشت که مشهور بود محل رفت‌وآمد ضد انقلاب هستند. از قبل حدس می‌زدیم عبور از گردنه خان به راحتی صورت نپذیرد. چمران به اتفاق یک فروند بالگرد از راه پیش‌بینی‌ها درست از آب درآمد و همانجا دچار کمین سنگینی شدیم. از چند طرف به سمت ما تیراندازی می‌شد. دقایقی از درگیری گذشته بود که شهید چمران به اتفاق یک فروند بالگرد از راه رسید. من و دو نفر از نیروها را اسوار کرد و از ما خواست روی ارتفاعات پیاده و از

### ■ حول محور فرمانده

من در مقطع حضور شهید چمران در ستاد جنگ‌های نامنظم با ایشان آشنا شدم. اوایل شروع جنگ تحمیلی بود. در اهواز با شخصیتی آشنا شدم که جاذبه بسیاری داشت. در میان نیروهایش همه طور آدمی دیده می‌شد. مثلاً از نیروهای لبنانی در میان ما بودند که از هنگام حضور چمران در این کشور با او همراه شده و به ایران آمده بودند. از وزارت دفاع افرادی بین ما بودند، از نیروی هوایی ارتش، از کماندوهای ارتش یا افرادی تحصیل‌کرده همانند دانشجویان، مهندسان و... همه جور آدم در ستاد وجود داشت. به رغم سلاقی متفاوت، تبعیت از فرمانده نکته‌ای بود که از منش چمران آموخته بودیم. قدرت جاذبه و فرماندهی‌اش باعث شده بود همگی در فضای دوستانه و بسیار

### ■ جدول سودوکو

ارقام ۹ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

### ■ جدول کلمات متقاطع

### ■ پاسخ جدول شماره ۵۶۷۸

				۳					
				۵					
			۲	۷	۴				
			۵						۱
			۱	۲	۷				۶
			۴						
		۹	۷	۳	۶	۲			
			۴	۶					
									۹

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

طراح: علیرضا سجادی فر | شماره ۵۶۷۹

### از راست به چپ

- ۱- قصه و داستان - در هم ریخته ■ ۲- شهر روی آب ایتالیا - پدال - لقب رستم دستان ■ ۳- آوندهای برگ - خیر- مشهور ■ ۴- اسلحه‌های در شمشیربازی - تکرار حرفی - تفریق عددی از عدد دیگر - سه‌مهر وارونه ■ ۵- رمق آخر - تداوم داشتن - کنده کاری روی چوب ■ ۶- آدرس ترسمی - اطلاعات ورودی رایانه - ضمیر انگلیسی ■ ۷- مخترع ایتالیایی پیل الکتریکی - قله‌گاه مهاجمان فوتبال - کشور زدن ■ ۸- اثر شیخ صدوق - زادگاه حضرت ابراهیم - کمیسیون اقتصادی اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام ■ ۹- شکم بند طبی - صدایشه - از مرکبات ■ ۱۰- شامه نواز - پادشاه - یاقوت ■ ۱۱ - سرشماری - زیاد - همین بستون ■ ۱۲ - ناپسند - زعفران - مزاحمت اینترنتی - ظرف آب ■ ۱۳- از روزنامه‌های چاپ پاکستان - موسس افشاریه - تیم فوتبالی در فرانسه ■ ۱۴- برابر - بی نام تو کی کنم باز - منسوب به ریه ■ ۱۵ - پرده بین قفسه سینه و شکم - با تجربه

### از بالا به پایین

- ۱- عنصر سلاح‌های اتمی - دیدار و بررسی ■ ۲- سوغات فروین - نشانواره - شکایت‌کننده ■ ۳- پاک - نوعی پارچه - دختر کوروش ■ ۴- گناه - دریاچه آسیای میانه - فنی در کشتی - چنین به وسیله آن تغذیه می‌کند ■ ۵- معدن پروتئین - نمک سازگار با غده تیروئید - جفت ماده ■ ۶- شامل همه - آرام و ساکت و بی حرکت - ضد آلودگی - ایستادن اسب جلوی مانع - سیاستمدار انقلابی فرانسه که به خاطر مشاجرات زیاد با پدرش بارها به زندان افتاد - یک ششم ملک ■ ۸- زاویه نود درجه - حرکت کرم گونه - تن و بدن ■ ۹- ماه پاییزی - از مشاهیر علمای طبیعی انگلستان در قرن نوزده و نویسنده اصل انواع - شهر فراری ■ ۱۰- پدال اسب سوار - زن پدر - بخار دهان ■ ۱۱- هنوز انگلیسی - پایان چیزی - هم ستاره است و هم نوعی گل ■ ۱۲- گسترده شده روی زمین - آتش - مخزن اسرار - امامس ■ ۱۳- از اصول دین شیعه - سر کوه - قطعه موسیقی که برای سه نوازنده ساخته شده است ■ ۱۴- باقی مانده حساب - درز و خنده - وگر گفتبار کی کردار داری / چو ز... / دیداری بدیوار ■ ۱۵- رودی در آسیاست که از شمال مغولستان سرچشمه می‌گیرد و با گذر از سیبری (در روسیه) به اقیانوس منجمد شمالی می‌ریزد - کشوری در امریکا جنوبی در همسایگی برزیل، آرانتین و بولیوی